تحلیل

افزایش قیمت نفت و گاز در بازار جهانی

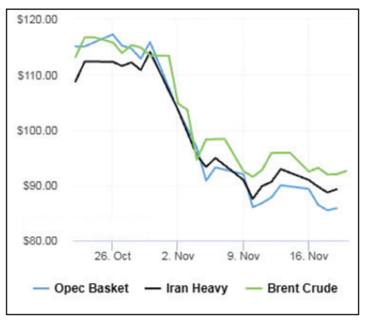

قیمت نفت در معاملات روز دوشنبه در آسیا تحت تاثیر نگرانی سرمایه‌گذاران نسبت به تنش‌های ژئوپلیتیکی در خاورمیانه، اندکی افزایش یافت و همزمان، قیمت گاز طبیعی در اروپا پس از پیش‌بینی‌ها برای هوای سردتر در روزهای آینده، جهش یافت. به گزارش ایسنا، قیمت نفت خام برنت با ۱۰ سنت معادل ۰.۱۱ درصد افزایش، به ۹۲ دلار و ۶۷ سنت در هر بشکه رسید. قیمت نفت خام «وست تگزاس اینترمدیت» (WTI) امریکا نیز با ۱۶ سنت معادل ۰.۱۹ درصد افزایش، به ۸۳ دلار و ۵۷ سنت در هر بشکه رسید. در اوایل معاملات، قیمت نفت برنت یک دلار کاهش یافته و تا ۹۱ دلار و ۵۷ سنت در هر بشکه پایین آمده بود و نفت «وست تگزاس اینترمدیت» نیز تا ۸۲ دلار و ۶۳ سنت عقب‌نشینی کرده بود. بر اساس گزارش رویترز، قیمت نفت برنت در هفته گذشته ۴ درصد و نفت امریکا، ۵ درصد کاهش یافته بود. با این حال، مناقشه‌ای که با تجاوز نظامی امریکا و رژیم صهیونیستی به ایران در اواخر فوریه، آغاز شد، همچنان از قیمت نفت حمایت می‌کند. روز یکشنبه، نیروهای مسلح یمن از هدف قرار گرفتن یک پالایشگاه نفت در عربستان سعودی خبر دادند. همزمان، سازمان «عملیات تجارت دریایی بریتانیا» وقوع چندین حادثه امنیتی برای کشتی‌ها در منطقه خلیج فارس و نزدیکی تنگه هرمز در روزهای گذشته را گزارش داد. قیمت قراردادهای آتی شاخص بازار اروپا در معاملات روز جاری، حداکثر ۸.۶ درصد افزایش یافت و به ۹۶.۰۷۵ یورو (۱۰۵.۵۴ دلار امریکا) رسید. این بزرگ‌ترین افزایش روزانه در بیش از یک هفته اخیر است و بازار را در مسیر ثبت سومین رشد روزانه متوالی قرار داده است. در حالی که اروپا به سمت اوج تقاضای زمستانی پیش می‌رود، سطح ذخایر گاز در این منطقه همچنان بسیار پایین‌تر از میانگین فصلی است. بر اساس داده‌های «اتموسفیریک جی ۲» (Atmospheric G۲)، پیش‌بینی می‌شود دمای هوا در شمال غربی اروپا طی هفته جاری حدود ۳ تا ۵ درجه سانتی‌گراد پایین‌تر از میانگین ۳۰ ساله باشد و در اوایل دسامبر نیز حدود ۵ تا ۸ درجه سانتی‌گراد کمتر از حد معمول خواهد بود. همچنین طبق گزارش «مت‌دسک» (MetDesk)، احتمال کاهش سرعت باد در حوالی آلمان، دانمارک و هلند در اوایل تا اواسط هفته جاری وجود دارد که می‌تواند به کاهش تولید انرژی بادی منجر شود. بر اساس گزارش بلومبرگ، اگرچه صادرات نفت خام از خلیج فارس دوباره از سر گرفته شده، اما جریان عرضه گاز طبیعی مایع (ال‌ان‌جی) همچنان محدود باقی مانده و باعث شده بازار جهانی همچنان با کمبود عرضه مواجه باشد. هوای سردتر در آسیا طی هفته جاری می‌تواند رقابت برای تامین ال‌ان‌جی در سطح جهانی را تشدید کند. طبق پیش‌بینی‌ها، ژاپن، کره جنوبی و همچنین مناطق شرقی و جنوبی چین شاهد شرایطی سردتر از حد معمول خواهند بود، اما پیش‌بینی می‌شود از اواسط هفته جاری تا اوایل دسامبر، دما به سطوحی بالاتر از حد معمول افزایش یابد.

رویداد

برای مقابله با خشکسالی

ساخت مخازن بزرگ آب در انگلیس کلید خورد

تشدید خشکسالی و کاهش ذخایر آبی در پی تغییرات اقلیمی، انگلیس را به توسعه زیرساخت‌های ذخیره‌سازی آب سوق داده است به‌طوری که دولت این کشور ساخت ۹ مخزن بزرگ آب را تا سال ۲۰۵۰ تصویب کرده است. به گزارش ایسنا، انگلیس با وجود شهرت به بارندگی‌های فراوان، در سال‌های اخیر با چالش فزاینده کم‌آبی و خشکسالی مواجه شده است. گرمای بی‌سابقه تابستان امسال و کاهش ذخایر مخازن آب، نگرانی‌ها درباره امنیت منابع آبی این کشور را افزایش داده است. طبق اعلام آژانس محیط زیست انگلیس، تا اواسط نوامبر، تقریبا تمام مناطق این کشور در وضعیت خشکسالی قرار داشتند و برخی مناطق نیز خشکسالی شدیدی را تجربه می‌کردند. همچنین میزان ذخیره آب در مخازن موجود به حدود ۶۰ درصد ظرفیت رسیده بود که ۱۹ واحد درصد کمتر از میانگین فصلی است. در همین راستا، عملیات ساخت مخزن آبی «هاونت تیکت» (Havant Thicket) با سرمایه‌گذاری ۸۰۰ میلیون پوند در نزدیکی بندر پورتسموث در جنوب انگلیس آغاز شده است. این پروژه با ظرفیت ذخیره‌سازی ۸.۷ میلیارد لیتر آب، قرار است آب مورد نیاز صدها هزار نفر را تامین کند و در سال‌های ۲۰۳۲ یا ۲۰۳۳ به بهره‌برداری برسد. این مخزن نخستین پروژه از این نوع است که از سال ۱۹۹۲ تاکنون در انگلیس ساخته می‌شود. دولت این کشور، همچنین ساخت ۹ مخزن بزرگ را تا سال ۲۰۵۰ تصویب کرده است که در مجموع می‌توانند روزانه ۶۷۰ میلیون لیتر به ظرفیت تامین آب کشور اضافه کنند. بر اساس پیش‌بینی‌های چارچوب ملی منابع آب انگلیس، این کشور ممکن است تا سال ۲۰۵۵، با کمبود روزانه پنج میلیارد لیتر آب مواجه شود. افزایش جمعیت و توسعه صنایع پرمصرف، به‌ویژه مراکز داده، از عوامل تشدید فشار بر منابع آبی عنوان شده‌اند. کارشناسان بر این باورند که تغییر الگوی بارندگی نیز در تشدید این بحران نقش دارد، به‌طوری که زمستان‌ها پرباران‌تر و تابستان‌ها خشک‌تر شده‌اند. در چنین شرایطی، ذخیره‌سازی بارندگی‌های شدید زمستانی برای استفاده در فصل‌های خشک اهمیت بیشتری پیدا کرده است. با این حال، کارشناسان هشدار می‌دهند ساخت مخازن جدید به تنهایی نمی‌تواند بحران آب انگلیس را برطرف کند. کاهش مصرف، جلوگیری از نشت آب در شبکه‌های فرسوده، جمع‌آوری آب باران، بازیافت فاضلاب و شیرین‌سازی آب دریا نیز از جمله راهکارهای ضروری برای مقابله با کم‌آبی هستند. بر اساس گزارش خبرگزاری فرانسه، آژانس محیط زیست انگلیس، برآورد کرده است که حدود ۶۰ درصد از کمبود احتمالی آب در آینده باید از طریق کاهش مصرف، مدیریت نشت و افزایش بهره‌وری منابع موجود جبران شود.

گزارش «تعادل» از اما و اگرهای فروش بورسی نفت

نفت در ویترین بورس

عرضه گواهی سپرده نفت می‌تواند مسیر تازه‌ای برای تأمین مالی و فروش نفت باز کند؛ اما سرنوشت طرح را نه نام بورس، بلکه تضمین تحویل، شفافیت قیمت و امکان تسویه تعیین می‌کند.

بازگشت نفت به بورس، در ظاهر یک خبر معاملاتی است؛ اما در عمل، آزمونی برای سنجش اعتماد بازار به سیاست‌گذار و سازوکارهای اجرایی صنعت نفت به شمار می‌رود. قرار است گواهی سپرده نفت خام و میعانات گازی عرضه شود؛ ابزاری که می‌تواند سرمایه‌گذاران داخلی را به بازار نفت نزدیک‌تر کند و در صورت فراهم شدن زیرساخت‌ها، راه مشارکت خریداران خارجی را نیز هموار سازد.

با این حال، میان «عرضه نفت روی تابلو» و «فروش موفق نفت» فاصله زیادی وجود دارد. نفت، برخلاف بسیاری از کالاهای قابل معامله در بورس، تنها یک دارایی مالی نیست؛ برای فروش و تحویل آن به مخزن، خط لوله، پایانه صادراتی، کشتی، بیمه، ارز و شبکه بانکی نیاز است. بنابراین موفقیت طرح زمانی معنا پیدا می‌کند که معامله انجام‌شده به تحویل واقعی، تسویه مطمئن و وصول منابع مالی منجر شود.

گواهی سپرده نفت می‌تواند چند کارکرد متفاوت داشته باشد. نخست، امکان تأمین مالی صنعت نفت را فراهم می‌کند؛ سرمایه‌گذار با خرید گواهی، منابع خود را در اختیار بازار می‌گذارد و در برابر آن، مالکیت مقدار مشخصی نفت یا حق دریافت آن را به دست می‌آورد.

کارکرد دوم، ایجاد بازاری برای خرید و فروش این دارایی است. دارنده گواهی ممکن است پیش از تحویل فیزیکی، آن را به خریدار دیگری واگذار کند. این ویژگی می‌تواند نقدشوندگی را افزایش دهد و نفت را از کالایی که معمولاً در قراردادهای بزرگ و محدود معامله می‌شود، به دارایی قابل معامله در بازار سرمایه تبدیل کند.

اما کارکرد سوم، یعنی فروش صادراتی نفت از مسیر بورس، پیچیده‌تر است. برای تحقق آن، خریدار باید بتواند نفت را به بازار مقصد منتقل کند و درآمد حاصل از فروش را به شکل مطمئن دریافت کند. اگر گواهی فقط در بازار داخلی معامله شود، نمی‌توان انتظار داشت که به‌تنهایی مسیر فروش خارجی را باز کند. از همین رو، باید روشن باشد که هدف اصلی طرح تأمین مالی ریالی است، فروش داخلی، یا ایجاد کانالی تازه برای صادرات نفت.

فروش ریالی می‌تواند مشارکت سرمایه‌گذاران داخلی را آسان‌تر کند، اما نفت در بازار جهانی با ارزهای معتبر قیمت‌گذاری می‌شود. همین فاصله، پرسش مهمی درباره ارزش واقعی سرمایه‌گذاری ایجاد می‌کند: اگر قیمت جهانی نفت تغییر کند یا نرخ ارز بالا و پایین شود، ارزش گواهی چگونه محاسبه خواهد شد؟

پاسخ باید پیش از عرضه در امیدنامه و مقررات معاملاتی روشن باشد. خریدار باید بداند قیمت پایه بر چه شاخصی استوار است، نرخ تبدیل ارز در چه زمانی محاسبه می‌شود و ریسک نوسان قیمت نفت یا ارز بر عهده کدام طرف قرار می‌گیرد. هرچه این قواعد مبهم‌تر باشد، سرمایه‌گذار برای ورود به معامله تخفیف بیشتری طلب می‌کند یا اساساً از بازار کنار می‌کشد.

برای سرمایه‌گذار خارجی، مساله به قیمت محدود نمی‌شود. او باید بتواند منابع مالی خود را وارد معامله کند، مالکیت گواهی را به دست آورد، نفت را تحویل بگیرد یا بفروشد و عوایدش را از مسیر قابل اتکایی دریافت کند. محدودیت‌های بانکی، بیمه، حمل‌ونقل و مقررات صادراتی می‌تواند در هر مرحله مانع ایجاد کند. فروش ریالی به‌تنهایی این موانع را برطرف نمی‌کند؛ همانطور که ثبت معامله در بورس، جایگزین مسیر بانکی و لجستیکی قابل اجرا نیست.

اعتماد خریدار به پشتوانه معامله وابسته است. نام شرکت ملی نفت یا بانک مرکزی در کنار طرح، به‌تنهایی تضمین به شمار نمی‌رود؛ باید مشخص باشد هر نهاد دقیقاً چه تعهدی دارد و در صورت انجام‌نشدن آن، خریدار چگونه به حق خود می‌رسد.

شرکت ملی نفت باید درباره وجود نفت، مشخصات کیفی، حجم قابل تحویل و زمان بارگیری پاسخ‌گو باشد. نقش بانک مرکزی نیز در موضوعاتی مانند تسویه ارزی و بازگشت عواید باید صریح و قابل سنجش تعریف شود. آیا تضمین مربوط به اصل پول است؟ تحویل محموله را پوشش می‌دهد؟ یا امکان تبدیل و انتقال درآمد را؟ این تعهدها یکسان نیستند و نباید در عبارت کلی «پشتوانه معتبر» با یکدیگر خلط شوند.

در کنار ضمانت‌ها، متن قرارداد نیز اهمیت دارد. خریدار باید بداند در صورت تأخیر در تحویل، اختلاف بر سر کیفیت، تغییر شرایط صادراتی یا ناتوانی در بارگیری چه اتفاقی می‌افتد. وجود سازوکار روشن برای حل اختلاف و جبران خسارت، بخشی از زیرساخت اعتماد است؛ نه بندی تشریفاتی در انتهای قرارداد.

بورس می‌تواند قیمت‌ها و معاملات را در معرض دید قرار دهد، اما شفافیت واقعی به انتشار اطلاعات کامل وابسته است. مشخصات نفت، محل نگهداری، هزینه انبارداری، حداقل حجم تحویل، زمان بارگیری، هزینه‌های حمل و شرایط انتقال گواهی باید پیش از خرید روشن باشد. همچنین باید امکان پیگیری معامله از زمان خرید تا تحویل یا تسویه وجود داشته باشد.

اگر اطلاعات ناقص باشد، تابلو فقط بخشی از واقعیت را نشان می‌دهد. ممکن است حجم معاملات بالا برود، اما مشخص نباشد چه میزان از گواهی‌ها به تحویل واقعی منتهی شده یا منابع حاصل از فروش چه زمانی و با چه هزینه‌ای وصول شده‌اند. انتشار گزارش‌های دوره‌ای درباره عرضه، خرید، تحویل و تسویه می‌تواند نشان دهد که بازار تا چه حد از مرحله معامله کاغذی عبور کرده است.

قیمت‌گذاری نیز باید با واقعیت بازار هماهنگ باشد. قیمت پایه‌ای که هزینه حمل، ریسک تسویه و محدودیت‌های فروش را نادیده بگیرد، خریدار واقعی را جذب نمی‌کند. در مقابل، تخفیف بیش از اندازه نیز ممکن است به کاهش درآمد خالص کشور بینجامد. معیار موفقیت، فقط قیمت اعلام‌شده هر بشکه نیست؛ باید دید پس از محاسبه تخفیف‌ها، هزینه‌های عملیاتی و زمان وصول پول، چه میزان درآمد واقعی به دست آمده است.

عرضه گواهی نفت نباید با اعلام آغاز معاملات، موفق تلقی شود. میزان استقبال، تعداد خریداران، امکان معامله ثانویه، تحویل به‌موقع و تسویه بدون اختلاف، شاخص‌هایی هستند که عملکرد طرح را نشان می‌دهند. به‌ویژه نخستین تجربه تحویل می‌تواند بیش از هر وعده‌ای بر اعتماد بازار اثر بگذارد.

شروع محدود و مرحله‌ای، همراه با انتشار جزییات قراردادها و گزارش نتایج، می‌تواند راه محتاطانه‌تری باشد. اگر در مرحله نخست مشکلاتی در قیمت‌گذاری، تسویه یا تحویل آشکار شود، اصلاح آن پیش از گسترش حجم معاملات کم‌هزینه‌تر خواهد بود. در مقابل، عرضه گسترده با قواعد مبهم ممکن است به تجربه‌ای ناموفق تبدیل شود و اعتماد سرمایه‌گذاران را برای مدت طولانی کاهش دهد. نفت روی تابلو می‌تواند به ابزاری برای تأمین مالی صنعت نفت و گسترش مشارکت در فروش تبدیل شود؛ اما بورس به‌تنهایی خریدار نمی‌سازد و عنوان «گواهی سپرده» نیز تضمین کننده تحویل نیست. پشت هر گواهی باید نفتی قابل شناسایی، قراردادهایی روشن و مسیر تسویه‌ای قابل اجرا وجود داشته باشد. اگر این حلقه‌ها به هم متصل شوند، عرضه بورسی می‌تواند فراتر از یک شیوه تازه معامله عمل کند. اگر نه، تغییر محل معامله به‌تنهایی تغییری در نتیجه فروش ایجاد نخواهد کرد.

سومین تولید کننده گاز جهان در آزمون ناترازی زمستان

معاون وزیر نفت بر ضرورت مدیریت مصرف خانگی جهت صیانت از اشتغال و صنایع غیرقابل جایگزین تأکید کرد.

به گزارش تسنیم، امید شاکری، معاون وزیر و مدیرعامل شرکت ملی صنایع پتروشیمی، در نشست تخصصی بررسی وضعیت انرژی کشور و پویش «نبض انرژی»، به تشریح ابعاد سخت‌ترین سال ناترازی، آسیب‌های ناشی از حملات زیرساختی و ضرورت همراهی عمومی برای صیانت از پایداری تولید پرداخت.

شاکری در ابتدای این نشست با تأکید بر لزوم اطلاع‌رسانی دقیق و اثربخش اظهار داشت: «اگر در اطلاع‌رسانی‌ها تأکیدات بیشتری داشته باشیم، ان‌شاءالله می‌توانیم همراهی مردمی را که همواره در سخت‌ترین شرایط در کنار ما بوده‌اند و درک بالایی از موقعیت‌شناسی نشان داده‌اند، بیش از پیش جلب کنیم. زمانی که به فصل سرما می‌رسیم، گرفتاری‌های مربوط به ناترازی انرژی برجسته‌تر می‌شود و امسال این شرایط سخت‌تر نیز شده است. همانطور که بهتر می‌دانید، حمله دشمن امریکایی-صهیونیستی به زیرساخت‌های انرژی کشور در جریان جنگ اخیر موجب شد بخشی از ظرفیت‌های تولید گاز ما از دسترس خارج شود. هرچند این ظرفیت‌ها با تلاش شبانه‌روزی همکارانمان در شرکت ملی نفت و شرکت ملی گاز به سرعت در حال بازیابی است، اما بخشی از ظرفیتی که هر سال در زمستان داشتیم، امسال به‌دلیل تبعات جنگ در اختیارمان نیست. بنابراین، به ناترازی همیشگی زمستان، یک عدد قابل ملاحظه دیگر نیز اضافه شده است؛ از این رو می‌توان گفت پویش «نبض انرژی» در سال سوم فعالیت خود، سخت‌ترین دوره‌های کاری خود را می‌گذراند.»

مدیرعامل شرکت ملی صنایع پتروشیمی با اشاره به اینکه کمبودهای مقطعی نباید به حساب کم‌کاری خادمان صنعت نفت گذاشته شود، تصریح کرد: «وقتی در کشور با کمبود مواجه می‌شویم، ممکن است اینگونه تلقی شود که خدای نکرده کم‌کاری رخ داده است؛ اما واقعیت تولید گاز در کشور چیست؟ بر اساس گزارش مهندس ربانی، ایران سومین تولیدکننده بزرگ گاز در دنیاست. این حرف بسیار بزرگی است؛ اگر کشورهای اول و دوم یعنی ایالات متحده امریکا و روسیه را کنار بگذاریم، ایران در جایگاه سوم قرار دارد. رسیدن به این جایگاه در تمام سال‌های گذشته، نشان‌دهنده تلاشی عظیم و شایسته افتخار و تقدیر است. بنابراین به‌هیچ‌وجه نمی‌توان گفت همکاران ما در صنعت نفت کوچک‌ترین کم‌کاری داشته‌اند.»

وی افزود: «پس چرا ناترازی و این گرفتاری در زمستان ایجاد می‌شود؟ این مساله به سیاست‌گذاری‌های گذشته بازمی‌گردد که با یک پیش‌فرض ذهنی شکل گرفته بود؛ گویی به یک منبع بی‌نهایت گاز متصل هستیم و هرچقدر مصرف کنیم مشکلی پیش نمی‌آید. اثر این سیاست را در بخش‌های مختلف از جمله نوع خانه‌سازی، سیاست‌های صنعتی و بخش کشاورزی می‌بینیم؛ تقریباً جایی نیست که پیش‌فرض توسعه بر مبنای بهینه‌سازی و مصرف به اندازه بنا شده باشد. از زمانی که با این مشکلات مواجه شده‌ایم، موضوع بهینه‌سازی انرژی به‌طور جدی در دستور کار سیاست‌گذاران قرار گرفته است که این امر را در فرمایشات رییس جمهور محترم و مقامات دولت و تلاش‌های آنها برای فرهنگ‌سازی می‌بینیم.» شاکری با اشاره به ریشه‌های بالای مصرف گاز بخش خانگی بیان کرد: «چرا مصرف بخش خانگی در زمستان جهش پیدا می‌کند؟ چون خانه‌هایی که در تمام این سال‌ها ساخته‌ایم، برخلاف استانداردهای خارجی، عایق‌بندی مناسبی ندارند و حرارت به‌شدت تلف می‌شود. در کشورهای اروپایی که از نظر اقلیمی بسیار سردتر از ما هستند، خانه‌ها به‌خوبی گرم می‌شوند، اما ما چون این توجه را در خانه‌سازی نداشتیم، نیاز به گرمایش، مصرف گاز ما را بالا می‌برد. اگر بتوانیم با آگاهی‌بخشی به مردم مصرف را مدیریت کنیم، گاز آزادشده به بخش‌های مولد کشور تزریق می‌شود.»

وی با ذکر یک مثال اقتصادی افزود: «در اقتصاد می‌گویند وقتی کالایی دچار کمبود می‌شود، مصرف کالای جایگزین بالا می‌رود. در خصوص گرمایش، اگر مردم نتوانند مصرف بخاری را کاهش دهند، می‌توانند با پوشیدن لباس گرم (به عنوان کالای جایگزین) نیاز خود را مدیریت کنند. اما آیا در پتروشیمی و گاز صنایع نیز جایگزینی داریم؟ خیر؛ برخلاف نیروگاه‌ها که می‌توانند از سوخت دوم استفاده کنند، صنعت پتروشیمی فاقد سوخت جایگزین است و قطع گاز به معنای محدودیت تولید خواهد بود.»

معاون وزیر نفت با هشدار درباره تبعات گسترده اعمال محدودیت بر صنایع پتروشیمی تأکید کرد: «من از شما اصحاب رسانه این خواهش را دارم که روی این موضوع اطلاع‌رسانی دقیق کنید؛ اگر صنعت ما دچار محدودیت شود، ضرر آن تنها به صاحب صنعت برنمی‌گردد، بلکه متوجه همه مردم کشور است. در جلسات گذشته نیز مطرح کردم که بخش زیادی از شهروندان این کشور سر سفره پتروشیمی نشسته‌اند. نگاه کنید چقدر از محصولات پتروشیمی وارد زندگی ما می‌شود؛ تقریبا بیشتر مایحتاج مردم که به معیشتشان برمی‌گردد، از ظرف لبنیات و ظروف شوینده گرفته تا بسیاری از ملزومات دیگر، با محصولات این صنعت مرتبط است.»

وی افزود: «بنابراین وقتی همه مردم کشور سهامدار و ذی‌نفع این صنعت هستند و عواید آن مستقیما به زندگی خودشان برمی‌گردد، اگر این همراهی را نشان دهند و گازی را که در صنعت «غیرقابل جایگزین» است، با کاهش مصرف در بخش خانگی (که اتفاقا «قابل جایگزین» است) آزاد کنند، این امر به پایداری تولید و توزیع منافع ملی برای تمامی آحاد جامعه کمک خواهد کرد.» مدیرعامل شرکت ملی صنایع پتروشیمی در پایان خاطرنشان کرد: «اصلاح پدیده مصرف بالای انرژی در تمام بخش‌ها، نیازمند زمان و هزینه است؛ اصلاح ساختار، فرآیندها و ساخت‌وساز زمان‌بر است، اما «اصلاح رفتار» هزینه‌ای ندارد. می‌توانیم با آگاهی‌بخشی و کاهش مصرف، تأثیر مستقیم این پویش را شاهد باشیم. با تلاش همکارانمان، ورود مسوولانه صنعت پتروشیمی به مقوله بهینه‌سازی برای رسیدن به ثبات و پایداری تولید، و همچنین مشارکت ارزشمند اصحاب رسانه و صداوسیما - که جا دارد از آنها صمیمانه تشکر کنم - مطمئن هستیم همانطور که در عرصه‌های دیگر دشمن را ناکام گذاشتیم، در عبور از این روزهای سخت زمستانی نیز با سربلندی همراهی خواهیم کرد تا شاهد تخصیص بهینه منابع انرژی به بخش‌های مختلف اقتصادی، خانگی و تجاری باشیم.»

مقایسه هزینه‌ها در خاورمیانه

مالکیت خودروهای برقی ارزان‌تر است یا بنزینی؟

خودروهای برقی می‌توانند هزینه‌های روزمره رانندگی را در خاورمیانه به میزان قابل توجهی کاهش دهند، اما اینکه مالکیت آنها در مقایسه با خودروهای بنزینی ارزان‌تر تمام شود، به محل زندگی رانندگان، شیوه شارژ خودرو و قیمت اولیه خرید بستگی دارد.

به گزارش ایسنا، فروش جهانی خودروهای برقی در سال ۲۰۲۵، از ۲۰ میلیون دستگاه خودرو فراتر رفت و به یک‌چهارم کل خودروهای جدید فروخته شده در جهان رسید. آژانس بین‌المللی انرژی (IEA) در ژوئیه پیش‌بینی کرد سهم این خودروها در سال ۲۰۲۶، به ۲۹ درصد افزایش یابد.

با افزایش قیمت سوخت تحت تاثیر تجاوز نظامی امریکا به ایران، آژانس بین‌المللی انرژی بر مزیت اقتصادی شارژ خودروهای برقی در خانه تاکید کرده است. در مقابل، استفاده از ایستگاه‌های شارژ سریع عمومی که هزینه بیشتری دارند، می‌تواند بخش قابل توجهی از این صرفه‌جویی را کمتر کند.

فروش خودروهای برقی در خاورمیانه، در سال ۲۰۲۵ بیش از ۴۰ درصد افزایش یافت و به حدود ۷۵ هزار دستگاه خودرو رسید. بر اساس گزارش چشم‌انداز جهانی خودروهای برقی ۲۰۲۶ آژانس بین‌المللی انرژی، امارات متحده عربی نزدیک به نیمی از این بازار را در اختیار داشت و عربستان سعودی و قطر در مجموع، حدود ۴۵ درصد سهم بازار را به خود اختصاص دادند.

در این میان، بی‌وای‌دی با حدود ۶۰ درصد سهم، پیشتاز بازار خودروهای برقی منطقه بود و تسلا با ۱۵ درصد در جایگاه بعدی قرار گرفت.

با وجود افزایش استقبال از خودروهای برقی، قیمت اولیه خرید همچنان یکی از مهم‌ترین موانع توسعه این بازار است. بر اساس یک نظرسنجی در عربستان سعودی، ۳۰ درصد از بیش از هزار مصرف‌کننده‌ای که پاسخ دادند، قیمت خرید را اصلی‌ترین نگرانی خود هنگام انتخاب خودروی برقی عنوان کرده‌اند.

بررسی هزینه‌های انرژی نشان می‌دهد که محل شارژ خودرو تاثیر مستقیمی بر میزان صرفه‌جویی دارد. برای نمونه، در دوبی هزینه ماهانه شارژ یک خودروی برقی با پیمایش سالانه ۲۰ هزار کیلومتر، در صورت شارژ خانگی حدود ۲۴.۸۷ دلار برآورد شده است. این رقم برای استفاده از شارژرهای سریع عمومی به حدود ۱۰۲.۹۳ دلار می‌رسد.

در مقابل، هزینه ماهانه سوخت یک خودروی بنزینی با مصرف هفت لیتر در هر ۱۰۰ کیلومتر، حدود ۱۲۸.۳۴ دلار محاسبه شده است. بر این اساس، صرفه‌جویی سالانه در هزینه انرژی برای رانندگانی که خودرویشان را در خانه شارژ می‌کنند، به حدود ۱۲۴۲ دلار می‌رسد، درحالی که این رقم برای استفاده‌کنندگان از شارژرهای سریع عمومی فقط ۳۰۵ دلار است.

در عربستان سعودی نیز شارژ خانگی خودروی برقی، ماهانه حدود ۱۶.۵۶ دلار هزینه دارد، درحالی که هزینه سوخت خودروی بنزینی مشابه به ۷۲.۵۳ دلار می‌رسد. با این حال، صرفه‌جویی سالانه در این کشور حدود ۶۷۱ دلار برآورد شده که به‌مراتب کمتر از امارات است.

از سوی دیگر، کاهش ارزش خودرو در بازار دست‌دوم می‌تواند بخشی از مزایای اقتصادی خودروهای برقی را خنثی کند. بر اساس مطالعه انجمن خودروی امریکا در سال ۲۰۲۶، خودروهای برقی سدان سایز متوسط در بازار امریکا تقریبا دو برابر خودروهای بنزینی مشابه افت ارزش داشته‌اند که موجب شده است مجموع هزینه مالکیت آنها ۲۹.۱ درصد بیشتر باشد.

همچنین بررسی بیش از ۲۲ هزار و ۷۰۰ خودروی برقی نشان می‌دهد ظرفیت باتری این خودروها به‌طور متوسط سالانه ۲.۳ درصد کاهش می‌یابد. استفاده مکرر از شارژرهای سریع و پرقدرت نیز می‌تواند سرعت این فرسایش را افزایش دهد. در همین حال، دولت‌های منطقه برنامه‌های مختلفی برای توسعه بازار خودروهای برقی دنبال می‌کنند. امارات قصد دارد تا سال ۲۰۵۰، سهم این خودروها را به ۵۰ درصد کل خودروهای در حال تردد برساند.

عربستان سعودی نیز برنامه نصب بیش از ۵۰۰۰ شارژر سریع در بیش از هزار نقطه تا سال ۲۰۳۰ را در دستور کار دارد.

بر اساس گزارش فوربس خاورمیانه، مراکش با معافیت خودروهای برقی و هیبریدی از مالیات سالانه خودرو و مصر با تمرکز بر تولید داخلی و توسعه زیرساخت‌های شارژ، از دیگر کشورهای منطقه هستند که برای تسریع گذار به حمل‌ونقل برقی تلاش می‌کنند. در مجموع، نتایج این بررسی نشان می‌دهد با وجود اینکه خودروهای برقی می‌توانند هزینه‌های انرژی را کاهش دهند، اما قیمت خرید، امکان شارژ خانگی، هزینه نگهداری، افت ارزش و دسترسی به زیرساخت‌های شارژ تعیین می‌کنند که این خودروها در نهایت تا چه اندازه از نظر اقتصادی مقرون‌به‌صرفه باشند.

خبر

پایداری انرژی در گرو کاهش ۲۰ درصدی مصرف است

مدیرکل بهینه‌سازی شرکت ملی صنایع پتروشیمی با تأکید بر ضرورت کاهش ۲۰ درصدی مصرف انرژی گفت: مدیریت مصرف در بخش خانگی و تجاری، نقش تعیین‌کننده‌ای در پایداری شبکه گاز و برق دارد. به گزارش مهر، علی ربانی روز دوشنبه در نشست آغاز سومین دوره پویش «نبض انرژی» با اشاره به ابعاد جنگ انرژی و تلاش برای ایجاد اختلال در تأمین انرژی کشور اظهار کرد: صنعت پتروشیمی با ظرفیت اسمی تولید ۱۰۰ میلیون تن و تولید عملیاتی ۷۵ میلیون تن، از جمله ۴۲ میلیون تن محصول نهایی، جایگاه مهمی در اقتصاد و زنجیره ارزش کشور دارد.

ادامه از صفحه اول

نقش پیشران مسکن در گذر از تله رکود تحریمی

صنعت مسکن به دلیل اتکای حداکثری به منابع، مصالح و نیروی کار داخلی، کمترین وابستگی را به واردات دارد؛ از این رو آسیب‌پذیری آن در برابر تحریم‌ها در پایین‌ترین سطح ممکن قرار دارد. استفاده از ظرفیت‌های اقتصاد مسکن و وارد آوردن یک «شوک ساختمانی» حساب شده، نسخه‌ای ضروری برای اقتصاد امروز ماست. هدایت سیاست‌ها به سمت تحرک این بخش، چرخه تولید را به کار می‌اندازد، نرخ بیکاری را مهار می‌کند، حجم گردش نقدینگی سالم را بالا می‌برد و با رفع تدریجی ناترازی عرضه و تقاضای مسکن، فشار تاریخی را از دوش معیشت مردم برمی‌دارد. موفقیت در این عرصه تنها نیازمند اراده سیاستگذار، هماهنگی دستگاه‌های بانکی و عمرانی و اتخاذ تصمیمات شجاعانه در نحوه تامین مالی و مقررات‌زدایی است تا زمینه را برای تحولی بنیادین در کلان اقتصاد مهیا سازد.

افق پیش روی خرمای ایران

فرصتی برای نزدیک شدن تولیدکنندگان، صادرکنندگان، فعالان صنایع تبدیلی، شرکت‌های حمل‌ونقل و خریداران خارجی فراهم می‌کنند. ارتباطاتی که در این فضا شکل می‌گیرد، می‌تواند به شناسایی بازارهای جدید و ایجاد همکاری‌های تجاری بلندمدت منجر شود. در نهایت، هدف از توسعه زنجیره تامین خرما باید فراتر از افزایش مقطعی حجم صادرات باشد. آنچه اهمیت دارد، تبدیل ظرفیت تولید و مزیت جغرافیایی ایران به یک توان تجاری پایدار است. این هدف زمانی محقق می‌شود که تولید، فرآوری، بسته‌بندی، لجستیک و بازاریابی در کنار یکدیگر قرار گیرند و ارتباط میان فعالان اقتصادی تقویت شود. خرمای ایران برای حضور موثرتر در بازارهای منطقه‌ای، به زنجیره‌ای منسجم نیاز دارد؛ زنجیره‌ای که مزیت تولید را به ارزش افزوده، معامله بیشتر و ماندگاری در بازارهای هدف تبدیل کند.

ارزان بودن بورس به دلار یک برداشت اشتباه؟

درحالی که نرخ نیمایی در دوره پنج‌ساله مورد بررسی حدود ۸۳۶ درصد افزایش یافته، رشد شاخص کل تنها ۳۷۸۶ درصد بوده است. بنابراین، حتی اگر اثر فاصله دلار آزاد و نرخ تسعیر را کنار بگذاریم، همچنان شکاف قابل توجهی میان عملکرد بازار ارز و سهام وجود دارد. این موضوع نشان می‌دهد که عوامل دیگری نیز در محدود کردن رشد بورس نقش داشته‌اند. افزایش نرخ ارز برای تمام شرکت‌های بورسی اثر یکسانی ندارد. شرکت‌های صادرات‌محور ممکن است از افزایش نرخ تسعیر ارز منتفع شوند، اما در مقابل، شرکت‌های واردات‌محور با افزایش هزینه مواد اولیه و تجهیزات مواجه می‌شوند. حتی در صنایع صادراتی نیز رشد درآمد ریالی الزاما به معنای افزایش متناسب سود خالص نیست، چراکه هزینه‌های تولید، انرژی، حمل‌ونقل و سرمایه در گردش نیز تحت تاثیر تورم قرار دارند. از سوی دیگر، نرخ بهره و ریسک‌های سیاسی می‌توانند اثر مثبت افزایش ارز را خنثی کنند. افزایش نرخ سود بدون ریسک، جذابیت سرمایه‌گذاری در سهام را کاهش می‌دهد و ریسک‌های سیاسی و محدودیت‌های صادراتی نیز ممکن است چشم‌انداز فروش و سودآوری شرکت‌ها را تحت تاثیر قرار دهند. در چنین شرایطی، حتی اگر ارزش دارایی‌های شرکت‌ها به دلیل افزایش نرخ ارز بیشتر شود، بازار لزوما حاضر نیست ارزش بالاتری برای سهام آنها در نظر بگیرد. نکته اصلی در بررسی ارزش دلاری بورس، تفاوت میان قیمت و ارزش است. کاهش ارزش دلاری بازار سهام می‌تواند نشانه‌ای از عقب‌ماندگی آن نسبت به سایر دارایی‌ها باشد، اما برای نتیجه‌گیری درباره ارزندگی باید دید سودآوری شرکت‌ها، جریان نقدی، حاشیه سود و چشم‌انداز اقتصادی آنها چه تغییری کرده است. برای مثال، اگر ارزش دلاری بورس کاهش پیدا کند، اما همزمان سودآوری شرکت‌ها نیز تحت تاثیر رکود تولید، افزایش هزینه‌ها، محدودیت صادرات یا سیاست‌های قیمت‌گذاری افت کرده باشد، نمی‌توان صرفا با استناد به کاهش ارزش دلاری بازار، از ارزندگی سهام سخن گفت. همچنین مقایسه ارزش بازار با دلار آزاد، بدون توجه به نرخ ارز موثر بر درآمد شرکت‌ها، می‌تواند تصویری غیرواقعی از وضعیت بازار ارائه دهد. در نهایت، آنچه از مقایسه روند پنج‌ساله دلار آزاد، نرخ نیمایی و شاخص کل به‌دست می‌آید، وجود یک رابطه بلندمدت، اما مشروط میان بازار ارز و سهام است. دلار می‌تواند انتظارات تورمی را تقویت کند و زمینه رشد اسمی بورس را فراهم آورد، اما انتقال این اثر به بازار سهام به وضعیت سودآوری شرکت‌ها، نرخ تسعیر ارز، نرخ بهره و ریسک‌های اقتصادی وابسته است. بنابراین، پایین بودن ارزش دلاری بورس را باید یک نشانه برای بررسی بیشتر دانست، نه به تنهایی دلیلی برای پیش‌بینی رشد بازار. بورس زمانی می‌تواند عقب‌ماندگی خود از دلار را جبران کند که افزایش نرخ ارز از سطح انتظارات تورمی عبور کرده و به بهبود واقعی سودآوری شرکت‌ها تبدیل شود.

بازه زمانی	همبستگی ماهانه دلار آزاد و شاخص کل بورس
۱۳۹۸-۱۳۹۹	۰.۳۸
۱۴۰۰-۱۴۰۱	۰.۱۶
۱۴۰۲-۱۴۰۳	۰.۲۵
۱۴۰۴-۱۴۰۵	۰.۲